

اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

موسی عنبری* سمیه حقی**

تاریخ دریافت: ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۲

تاریخ پذیرش: ۱ مهر ۱۳۹۲

چکیده

در مقاله حاضر، آثار ریسک‌های اجتماعی بر میزان نشاط اجتماعی زنان شهری و روستایی دلیجان بررسی شده است. جمعیت نمونه پژوهش، ۷۰۰ نفر از زنان (۴۹-۱۵ ساله) هشت منطقه شهرستان دلیجان و شش روستای تابعه آن (دهستان جوشق) بوده و اطلاعات حاصله با استفاده از فن پیمایش و تکمیل پرسشنامه گردآوری شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان نشاط زنان مورد بررسی، بر حسب متغیرهای زمینه‌ای و خانوادگی تغییر یافته است. از میان ریسک‌های اجتماعی مورد بررسی، شامل گرایش و اقدام به خودکشی، طلاق و خشونت‌های خانوادگی، و دیررسی ازدواج، سطح تأثیر دیررسی ازدواج بر نشاط زنان، کاملاً معنادار بوده است. این تأثیر به طور خاص در مناطق روستایی بیشتر و واضح‌تر بوده است. این تصور که مشارکت زنان در فعالیت‌های بیرون از خانه و گسترش دامنه انتخاب آن‌ها، بر میزان نشاط ایشان می‌افزاید، مورد تأیید قرار نگرفت که به احتمال بسیار زیاد، حضور متغیرهای فردی و اجتماعی دیگر مانند هزینه‌ها و دشواری‌های ناشی از پذیرش نقش‌های جدید و دیررسی ازدواج، جهت این موضوع را تبیین می‌کند. بر اساس یافته‌های تحلیلی، در مناطق شهری، مقوله بیگانگی اجتماعی و در مناطق روستایی، احساس امنیت اجتماعی، بیشترین تأثیر را در نشاط زنان داشته است.

کلیدواژه‌ها: نشاط، ریسک‌های اجتماعی، پرسشنامه شادکامی آکسفورد، احساس امنیت اجتماعی، بیگانگی

اجتماعی.

* دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). anbari@ut.ac.ir
** کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. s.haghi581@yahoo.com

مقدمه و طرح مسأله

ریسک‌ها، همواره همراه همیشگی انسان‌ها بوده‌اند، به طوری که نمی‌توان لحظه‌ای از زندگی را تصور کرد که با ریسک و مخاطره‌ای همراه نباشد. ریسک‌های طبیعی و محیط‌شناختی مانند سیل، زلزله، خشکسالی، آفات و امراض نباتی، سرمازدگی، فرسایش خاک، آلودگی محیط، آلودگی آب و هوا و غیره که عللی فراتر از عوامل مادی و انسانی، در بروز آن دخیل‌اند، از گذشته‌های دور زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داده است. ولی امروزه با مدرن شدن جوامع، مجموعه‌ای از ریسک‌های اجتماعی و فرهنگی نیز گریبان‌گیر جوامع انسانی شده است، به طوری که امروزه تأثیر این ریسک‌های تولیدشده، از ریسک‌های ایدئولوژیک به مراتب افزون‌تر است.

در جامعه کنونی، گزینش‌های افراد، انتخاب‌های سرنوشت‌ساز، تغییرات تند و ناگهانی، شکست‌ها و غیره رو به فزونی است. انسان امروزین با یافتن خود در دایره انتخاب‌های متعدد، با ریسک‌هایی مواجه می‌شود که چنین شرایطی، بیشتر نتیجه انتخاب فرد است. جامعه معاصر به تعبیر ال‌ریش بک^۱ جامعه ریسک یا جامعه مخاطره‌آمیز است، یعنی عصری که عمده توجه‌مان معطوف به ریسک‌ها، مسائل و بحران‌های ناشی از توسعه و رشد شتابان است. ریسک احتمال خطر یا آثار زیانبار در یک عمل یا شی است و عمدتاً منشأ درونی و انسانی دارد. «آنتونی گیدنز، ریسک را نتیجه آگاهی و انتخاب انسان‌ها می‌داند. در صورت پذیرش چنین تعریفی، باید اعتقاد داشت که توان مقابله و کنترل با انتخاب‌های فردی امکان‌پذیر است. طرز تلقی وی از ریسک، بیشتر منشأ روان‌شناسانه دارد تا جامعه‌شناسانه. در دید اجتماعی، ریسک حاصل خواسته‌ها و آگاهی صرف نیست، بلکه فرایند تضاد انتخاب‌ها و مشی‌های فردی است. به عبارت دیگر، ریسک محصول تضادهای معرفتی، شناختی و علمی در دانش مدرن است که به هیچ وجه در بستر خواسته‌ها و انتخاب‌های آگاهانه صورت نگرفته است و نکته مهم‌تر اینکه به دلیل ناآشنایی و ناآگاهی فرد با این فرایند، راه مشخصی نیز برای مقابله با آن وجود ندارد» (عنبری، ۱۳۸۷: ۱۵۱). بدین ترتیب، افزایش قدرت انتخاب انسان‌ها، آن‌ها را با انواع مخاطرات و ریسک‌هایی مواجه می‌کند که فائق آمدن بر آن‌ها نیز از حیطة انتخاب انسان خارج می‌شود.

1 Beck

اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

همه افراد در طول زندگی خود با ریسک‌ها و مخاطرات فراوانی اعم از ریسک‌های اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیک مواجه هستند. مواجهه با این موقعیت‌ها، حتی شخصیت‌های قوی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حالی که توانایی انسان‌ها در کسب نشاط، به آن‌ها استقامت می‌دهد تا از عهده فائق آمدن بر این مسائل برآیند. احساس شادی و نشاط، یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان‌ها است و به دلیل تأثیرات عمده در بهسازی و سالم‌سازی جامعه، مدت مدیدی است که ذهن آدمیان را به خود مشغول کرده است. به طوری که امروزه بسیاری از ملل، به نوعی در صدد ایجاد جامعه‌ای سالم و بانشاط هستند، زیرا به نظر می‌رسد احساس شادی و نشاط از یک‌سو انسان‌ها را برای زندگی بهتر و بازدهی بیشتر آماده می‌کند و از سوی دیگر، به دلیل مسری بودن آن، روابط انسان را با محیط گسترده می‌کند. از این رو، مادامی که شهروندان احساس شادی و نشاط کنند، همواره در خدمت به شهر و افراد جامعه، اهتمام بیشتری می‌ورزند. از این منظر، نقش شادی و نشاط در زندگی انسان‌ها به حدی است که متفکر اجتماعی، راسکین^۱ بر این نکته تأکید کرده است که «ثروتمندترین کشور، کشوری است که بیشترین افراد شاداب را زیر بال خود داشته باشد» (مظفر، ۱۳۷۹: ۱۳).

شادی و نشاط، نشانه‌ای از سلامت روانی و جسمی افراد نیز محسوب می‌شود. از آنجایی که شادی و نشاط، جزء فطرت و ذات انسان است و انسان نیز موجودی هدفمند و جویای نشاط، خوشبختی و سعادت است، تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد، احساس نشاط نخواهد کرد. به جرأت می‌توان ادعا کرد که تمامی کوشش انسان‌ها در زندگی برای دستیابی به نشاط و شادکامی در آینده است، بدین معنا نشاط و شادکامی متغیر مهمی در توسعه محسوب می‌شود.

بنابراین، احساس نشاط اجتماعی یکی از پشتوانه‌های مهم انسان‌ها برای مقابله با انواع ریسک‌ها و مخاطراتی مانند خشونت‌های خانوادگی، طلاق، خودکشی، دیررسی ازدواج، شکست‌ها، انتخاب‌های متعدد و غیره است که موجب احساس عدم امنیت، کاهش اعتماد به نفس، احساس محرومیت و عدم رضایت از زندگی خواهد شد که در نتیجه آن، میزان نشاط و شادکامی افراد تحلیل می‌رود و جامعه قادر نخواهد بود از توان بالقوه نیروهای خود به درستی بهره‌گیری.

در چند دهه اخیر، در کشور ما مقوله نشاط و شادکامی به عنوان یکی از متغیرهای مهم نمایای سلامت اجتماعی جامعه مورد توجه قرار گرفته است. با وجود ضرورت نشاط زنان به عنوان عنصری مهم و کلیدی در توسعه روابط اجتماعی و خانوادگی، پژوهشی درباره این موضوع انجام شده است. زنان در شهرها و روستاهای استان مرکزی، به‌ویژه در دلچجان نیز با مدرن شدن و تغییر سبک زندگی، افزایش نقش‌شان در تعیین سرنوشت و آینده خود و حضور مؤثر در جامعه، در معرض انواع ریسک‌های اجتماعی مانند دیررسی ازدواج، خودکشی، طلاق، خشونت‌های خانوادگی و غیره قرار گرفته‌اند که ارمغان آن‌ها، کاهش میزان نشاط و شادکامی زنان است. بنابراین، در پژوهش حاضر ابتدا تأثیر ریسک‌های اجتماعی فرهنگی مانند خشونت‌های خانگی، خودکشی، طلاق، دیررسی ازدواج، حوادث جاده‌ای، و گزینش‌های متعدد در زندگی بر میزان نشاط اجتماعی زنان مورد سنجش قرار گرفت. سپس تأثیر هر یک از ریسک‌های مذکور به واسطه متغیرهایی مانند احساس امنیت اجتماعی، احساس محرومیت اجتماعی بر میزان نشاط زنان بررسی گردید.

مبانی نظری

با وجود توجه فلاسفه و نخبگان اجتماعی به موضوع شادی، از سال ۱۹۶۰ پژوهش‌های علمی مربوط به شادمانی و نشاط^۱ افزایش یافته و سازمان‌های مختلفی به بررسی شادمانی پرداخته‌اند. در پژوهش‌های مذکور، سه جهت‌گیری اساسی را می‌توان مشخص کرد. در برخی از آن‌ها سنجش میزان شادمانی و نشاط و تهیه ابزارهایی برای سنجش شادمانی، هدف اصلی بوده است. در اکثر پژوهش‌ها بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر نشاط مورد قرار گرفته و در گروهی، شیوه‌های افزایش شادکامی و نشاط ارزیابی شده‌اند. به منظور سهولت در فهم و بیان نتایج یافته‌های پژوهش‌ها بر حسب عوامل مختلف، جدول زیر تدوین شده است.

۱ Happiness در ادبیات روانشناسی و حتی جامعه‌شناسی، این کلمه را معادل شادکامی به کار می‌برند. ما لفظ فارسی "شادزیستی" را معادل این مفهوم پیشنهاد می‌کنیم (ر.ک به عنبری، ۱۳۹۱).

اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

جدول (۱): پژوهش‌های مربوط به سنجش شادمانی و نشاط

پژوهشگر / مؤسسه	نتایج
نورمن براد بورن ^۱ و دیوید کاپلوتیز ^۲ از مرکز ملی بررسی افکار آمریکا ^۳	این پژوهش، اولین بررسی درباره سنجش شادکامی بود و پس از آن، با توجه به اهمیت این سنجش در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های ملی، دولت‌ها به حمایت گسترده از این قبیل پیمایش‌ها پرداختند، به طوری که از دهه ۱۹۷۰ علاوه بر آمریکا، در اروپا نیز به طور مرتب و سالانه، پیمایش‌های ملی برای سنجش خوشبختی مردم انجام می‌شود (نایی، ۱۳۷۴: ۱۲-۱۳).
مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه میشیگان ^۴ (۱۹۷۸)	سن و محل سکونت (شهر و روستا) در شادمانی مؤثر نیست؛ تأثیر پایگاه اجتماعی، اقتصادی در میزان خوشحالی افراد، از آنچه در ذهن داشتند، کمتر گزارش شده؛ وضعیت تأهل و روابط اجتماعی در شادمانی افراد، تأثیر مثبت داشته؛ همچنین رضایت از زندگی، نقش مهمی را در سلامت روانی و احساس خوشبختی داشته است (ساعتچی، ۱۳۸۵: ۱۷۸-۱۷۶).
علی‌پور و نوری (۱۳۸۵)، علی‌پور و آگاه هریس (۱۳۸۶)، علی‌پور و نوربالا (۱۳۸۹)، ثابت و لطفی کاشانی (۱۳۸۹)	مقیاس شادکامی آکسفورد در جمعیت ایرانی، از اعتبار و پایایی بالا برخوردار بوده است.
آذربایجانی و علی‌محمدی، (۱۳۸۹)	در پرسشنامه ۹۵ ماده‌ای شادکامی که از قرآن و روایات معصومین استخراج شده، پایایی درونی معادل ۰/۹۲۱ بوده است.
رونالد اینگلهارت ^۵ (۱۹۹۰)	جنسیت در شادمانی تأثیر ندارد.
آیزنک (۱۳۷۵)	مردان و زنان از نظر شادی تفاوت کمی با هم داشتند. در حالی که زنان جوان، اندکی شادتر از مردان جوان بودند، زنان مسن در مقایسه با مردان مسن شادمانی کمتری داشتند (ادینگتون و شامن ^۶ ، ۲۰۰۴). شادی زیاده‌تر جوانان می‌تواند محصول ظرفیت بسیار زیاد آن‌ها برای عاطفه مثبت و ظرفیت کمتر آنان برای تجربه عاطفه منفی یا ترکیبی از هر دو باشد.
آرگایل ^۷ (۲۰۰۱)	عاطفه مثبت و رضامندی، با افزایش سن کمی افزایش می‌یابد و عاطفه منفی با افزایش سن کاهش می‌یابد و هر دو مورد، در مردان بیشتر است.
پژوهشگران دانشگاه اروویک انگلیس	میزان شادی در طول عمر، نموداری U شکل دارد. به این صورت که از جوانی تا میانه دهه چهل زندگی، با افزایش سن، میزان شادی فرد کاهش می‌یابد، اما پس از آن شروع به افزایش می‌کند و در افراد سالمند، دوباره به اوج خود می‌رسد (غلامزاده، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۵).
ساندویک، سیدلیتر و داینر (۱۹۹۳)	همبستگی ضعیف بین میزان تحصیلات و شادمانی وجود دارد. همچنین در افراد کم‌درآمد، تحصیلات در ایجاد علائق وسیع‌تر که منجر به تأمین منابع شادمانی بیشتر می‌گردد، مؤثر است.
ادینگتون و همکاران (۲۰۰۴)	بخش اعظمی از ارتباط بین تحصیلات و شادمانی، از همبستگی تحصیلات با موفقیت شغلی و درآمد ناشی می‌شود (ویتر، اوکان، استوک و هرینگ ^۸ ، ۱۹۸۴).
داینر و همکاران (۱۹۹۳)	همبستگی معنادار، اما ضعیفی (۰/۱۲) بین میزان درآمد و شادمانی در جامعه آمریکا وجود دارد.
داینر و ساج ^۹ (۱۹۹۷)	با وجود رشد اقتصادی در فرانسه، ژاپن و ایالات متحده از ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۰، هیچ‌گونه گزارشی درباره افزایش شادمانی در کشورهای فوق یافت نشده است.
آیزنک (۱۳۷۵)	افراد متأهل دارای فرزند کمتر، از افراد متأهل بدون فرزند شادتر هستند.

- 1 Norman Brad Burn
- 2 David Caplovitz
- 3 NORC
- 4 Michigan University
- 5 Ingelhart
- 6 Eddington and Shuman
- 7 Argyle
- 8 Witter, Okun, Stock & Haring -Hidore
- 9 Suh

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

ازدواج کرده‌ها به طور متوسط، شادتر از کسانی هستند که با هم زندگی می‌کنند.	اینگلهارت (۱۹۹۰)
ازدواج به لحاظ تجربه عواطف مثبت، منابع شادی بیشتری برای مردان دربردارد، ولی میزان رضایت از زندگی در بین زنان و مردان متأهل، یکسان است.	داینر و ساح (۱۹۹۸)
افراد متأهل نسبت به افراد مطلقه، مجرد، متارکه‌کرده یا همسر از دست‌داده، شادی بیشتری دارند.	آرگایل (۱۳۸۲)، آیزنک (۱۳۷۵)
ازدواج قوی‌ترین اثر را بر شادمانی، سلامت روانی و جسمانی دارد.	آرگایل (۱۳۸۲)
شادی بیشتر به نوع شخصیت یا منش فرد بستگی دارد.	آیزنک (۱۳۷۵)
شخصیت نسبت به نژاد، طبقه اجتماعی، پول، ارتباطات اجتماعی، کار، تفریح، مذهب و سایر متغیرهای محیطی، اثر تعیین‌کننده بیشتری بر شادی دارد.	داینر و مایرس (۱۹۹۶)
شادکامی مربوط به ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق و وظیفه‌شناسی) بوده است.	مغانلو و آگیلاز و فابی (۱۳۸۸)
بر اساس نتایج، مذهب نزدیک به ۵ تا ۷٪ از واریانس رضایت از زندگی را تبیین کرده است، ولی فقط ۲ تا ۳٪ از واریانس مربوط به خشنودی عاطفی، به این متغیر مربوط است.	الیسون ^۱ (۱۹۹۱)
مذهب بر شادی، تأثیر مثبت متوسط داشته و این تأثیر برای سالمندان و اعضای کلیساها بیشتر بوده است.	آرگایل (۱۳۸۳)
دعا، نیایش و ارتباط معنوی با خداوند در شادکامی افراد اثر مثبت دارد.	شجاعیان و زمانی منفرد (۱۳۸۱)، پناهی (۱۳۸۸)
شادکامی، نگرش مذهبی و سن ارتباط معناداری دارند.	صحرائیان و همکاران (۱۳۸۹)
دینداری، شادکامی و رضایت زناشویی ارتباط مثبت دارند.	سیلیگمن و داینر ^۲ ۲۰۰۲؛ روحانی و معنوی‌پور (۱۳۸۷)

نانسی استین و تام ترابو سو (۱۹۹۲) معتقدند که چهار هیجان اصلی شادی، غم، خشم و ترس وجود دارد که واکنش به فعالیت‌های اساسی را منعکس می‌کند، مثلاً موفقیت (شادی)، شکست (غم)، ممانعت (خشم) و بلا تکلیفی (ترس) را ایجاد می‌کند (مارشال ریو، ۱۳۸۵: ۳۲۷).

وینهون^۳ (۲۰۰۸) یکی از تعاریف عملیاتی و جالب توجه از شادی را بیان کرده است: به اعتقاد وی، «شادکامی ارزیابی کلی و ذهنی فرد از زندگی خود است که نشان می‌دهد زندگی مطلوب را چه می‌بیند، این زندگی چگونه انتظاراتش را برطرف می‌کند، و غیره» (وینهون، ۲۰۰۰: ۲۶۷؛ وینهون، ۱۹۸۴: ۲۲). در واقع «ارزیابی فرد از مطلوبیت کیفیت کل زندگی» همان شادکامی است (وینهون، ۲۰۰۰: ۲۳۳). در تعریف او چند بعد کلیدی وجود دارد:

- میزان: شادکامی مانند مفهوم طول و وزن، حد و اندازه دارد؛
- زندگی خود: ملاک خود فرد است، نه زندگی یا حیات موجودات پیرامون؛

1 Ellison

2 Seligman & Danner

3 Veenhoveen

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

- ارزیابی و قضاوت: یعنی شادکامی فعالیتی ذهنی در مورد کیفیت زندگی و تجارب گذشته و پیش‌بینی آینده است؛
 - کل زندگی: یعنی رضایت از کل و همه ابعاد زندگی است، نه از یک بعد یا جنبه؛
 - مطلوبیت: منظور خوش یا بد بودن ابعاد و مسیر زندگی است (همان: ۲۳۸-۲۳۵).
- بنابراین، می‌توان ادعا کرد که شادی، نوعی هیجان ناپایدار است و می‌تواند چند دقیقه یا چند ساعت ادامه داشته باشد. اگر احساس شادی ادامه یابد و برای مدت‌ها نیز باقی بماند، در این صورت، به آن احساس خوشبختی یا شادکامی می‌گویند.
- مقوله شادی یا شادکامی در فلسفه و اخلاق، ذیل مفهوم "سعادت" بیان شده است. فلاسفه یونان باستان، شادکامی آدمی را در فرایند غنی کردن فضایل اخلاقی و عالی می‌جستند. در فلسفه اسلامی، افعال انسان، دارای غایت است و غایت تمام افعال، حرکت به سوی سعادت است. بدین مفهوم که فردی از زندگی‌اش خشنود خواهد بود که در پی به دست آوردن هر چه بیشتر (کمی و کیفی) فضایل اخلاقی و سعادت نوع انسان باشد. در ادبیات مدرن، نوع نگاه به نشاط و شادکامی متفاوت می‌شود. روانشناسان و جامعه‌شناسان، با رویکردی اجتماعی و بعضاً مادی‌تر، نشاط را تبیین می‌کنند.
- از دیدگاه روانشناسان، بنیاد شادی "ذهنیت مثبت" است و برای انگیزش و تداوم شادی، باید ذهنیت‌های مثبت را تقویت کرد.

کمپر با دو مفهوم رابطه قدرت و منزلت در نظریه‌اش، منشأ اجتماعی عواطف را در سطح تعاملات اجتماعی توضیح داده است. به اعتقاد وی، افسردگی به عنوان یک عاطفه، از پیامد از دست دادن منزلت ناشی می‌شود. در نظریه کمپر، قدرت و منزلت، دارای پیامد عاطفی‌اند. به عبارت دیگر، روابط قدرت و منزلت بین کنشگران اجتماعی، حامل پیامدهای عاطفی برای آن‌هاست. بر اساس نظریه فوق، یک تعامل می‌تواند به افزایش، کاهش یا عدم تغییر در قدرت کنشگر در ارتباط با کنشگر دیگر منجر شود. همین تعامل می‌تواند به افزایش، کاهش یا عدم تغییر در منزلت کنشگر نیز منجر شود. منزلت مستلزم رفتاری است که پذیرش، احترام و تمکین ارادی را بیان کند. وقتی منزلت یک کنشگر

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

افزایش می‌یابد، این افزایش منزلت، به طور معمول موجب پیدایش احساس خشنودی در وی می‌شود (کمپر و کالینز^۱، ۱۹۹۰ به نقل از زمانی، ۱۳۸۷: ۵۰-۴۹).

نظریه دیگری که درباره رضایت از زندگی و سپس احساس خوشبختی می‌توان مطرح کرد، نظریه موسوم به "برابری" است. اساس نظریه فوق، ادراک فرد از شغل خود و چگونگی رفتار او در برابر سازمان است. بر اساس این نظریه، هر فرد خصوصیات و قابلیت‌هایی مانند تجربه و تبحر، تحصیلات، سن، هوش، استعداد را با خود به سازمان (یا محیط زندگی و فعالیت خود) می‌آورد و در مقابل انتظار دارد سازمان یا محیط بیرون نیز متناسب با خصوصیات فوق، مزایا و پاداش‌هایی را در اختیارش قرار دهد. چنانچه شخص احساس کند که بین این دو دسته عوامل، نوعی برابری و همپایگی موجود است، این امر در وی آرامش و رضایت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، بشر همواره در پی آن است که با او به طور منصفانه رفتار شود (مک کر و کاستا^۲، ۱۹۹۹: ۵۳). در صورتی که فرد در مقایسه خویش با افراد هم‌سطح خود احساس کند که دیگران وضعیت بهتری را کسب کرده‌اند، احساس نارضایتی خواهد کرد.

بر اساس نظریه "محرومیت نسبی" عموماً انسان‌ها به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و وقتی در این رابطه، احساس فقر و بی‌عدالتی کنند، واکنش‌های شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی و خودکشی و غیره) را انجام می‌دهند و وقتی این احساس به والا درجه خود برسد، به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارض‌های شدیدی را در پی دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۴۵).

از دیدگاه جامعه‌شناختی، عوامل شادکامی را باید در فرایندهای کلان جامعه، مانند دموکراسی، کیفیت زندگی، احساس امنیت اجتماعی، همبستگی و اعتماد اجتماعی و غیره جستجو کرد. ال‌ریش بک^۳ جامعه‌شناس آلمانی، مخاطرات جامعه جدید را «پیامد ناخواسته و ناآشنای کنش‌های انسانی» می‌خواند. از این رو، با بحث آگاهی و انتخاب همراه با مخاطرات عصر جدید چندان موافق نیست. از دید وی، تغییرات سریع در جوامع و گسترش روزافزون علوم و فناوری، منجر به ایجاد جامعه مخاطره‌آمیز جهانی شده که در آن چندین فرایند، مورد تحول قرار گرفته است. فرایندهای مذکور

1 Kamper & Collins

2 Mc Care & Costa

3 Beck

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

عبارت است از: جهانی شدن، فردی شدن، انقلاب جنسیت، بیکاری و ریسک‌های جهانی مانند بحران محیط‌شناختی و برخورد بازارهای مالی جهانی (بک، ۱۹۹۱). از دیدگاه وی، پیوند یافتن مسئولیت انسانی با مخاطره‌های معاصر، تفاوت مهم دیگری را میان خطرهای قدیمی‌تر و مخاطره‌های دنیای معاصر پدید می‌آورد. بنابراین، زندگی در دنیای صنعتی کنونی با گستره فناوری‌های نوین، انسان‌ها را با ریسک‌هایی مواجه کرده است که نتیجه آگاهی و انتخاب انسان نیستند و فرد خواسته و ناخواسته با آن مواجه خواهد بود. چنین مواجهه‌ای با مخاطرات از میزان رضایت، شادکامی و نشاط افراد خواهد کاست.

در نظریه‌های گیدنز درباره ریسک و مدرنیته متأخر، مفهوم اعتماد نقش بسیار مهمی دارد. وی اعتماد و آگاهی از مخاطره را پیش‌فرض خود می‌گیرد. گیدنز با توجه به ماهیت دنیای مدرن، افزایش ریسک‌ها و اعتماد به نظام‌های نمادین معتقد است که گرچه مدرنیته، احتمال خطر را در بعضی حوزه‌ها کاهش داده، اما در عین حال، خطرها و ناامنی‌های دیگری را جایگزین کرده است که به موازات افزایش قدرت انسان‌ها در انتخاب مسیر زندگی ایجاد شده است و بر میزان نشاط و شادکامی انسان‌ها در زندگی تأثیر می‌گذارد. وی عوامل تهدیدکننده شادمانی را «تهدیدهای خشونت‌آمیز ناشی از صنعتی‌شدن جنگ، متزلزل شدن ریشه‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی و احساس ناامنی و اضطراب وجودی» می‌داند. عوامل تأمین‌کننده شادمانی از نظر گیدنز را نیز می‌توان چنین خلاصه کرد: «اعتماد همراه با احتیاط نسبت به نظام‌های انتزاعی، اعتماد و واهی امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی و دگرذیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه ناب» (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷).

اینگلهارت با تأکید بر دیدگاه الگوی تطابق آرزو با وضعیت عینی مدعی است «احساس سعادت» بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت اوست (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴). زمانی که وضعیت فرد با آرزو و توقعاتش تطابق می‌یابد، فرد احساس رضایت فراوانی می‌کند. «اگرچه ارضاء یک نیاز خاص، موجب خرسندی فراوان می‌شود، اما شخص پس از مدتی آرزوی چیزهای بیشتر یا متفاوتی می‌کند. این نوع فراگرد تطابق برای عمل و حیات انسان ضروری است، وگرنه ارضای مجموعه‌ای از خواسته‌ها به خرسندی و لیکن بی‌حرکتی از سر بی‌نیازی منتهی می‌شود» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴۵-).

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

۲۴۴)، زیرا توازن بین نیازها با آرزوها از یک سو و انجام آن‌ها از سوی دیگر، پیوسته بر هم می‌خورد و مجدداً تطابق می‌یابد.

وینهوون نشاط را در سطح کلان به کیفیت جامعه و عواملی مانند سلامتی، عدالت و آزادی وابسته می‌داند و از این رو، معتقد است سیاست اجتماعی می‌تواند ارتقاءدهنده این شرایط باشد. در سطح میانی، نشاط وابسته به کیفیت‌های نهادی مانند استقلال در کار یا مراقبت‌های نهادی است. اصلاح سازمانی می‌تواند برخی نهادها را بهبود بخشد. در سطح خرد، نشاط وابسته به توانایی‌های شخصی مانند کارآمدی، استقلال و مهارت‌های اجتماعی است. تحصیلات و درمان نیز می‌تواند ارتقاءدهنده مهارت‌های مذکور باشد (وینهوون، ۱۹۹۵). وی شادی را بیشتر، حالتی می‌داند که حاصل قضاوت از زندگی است تا سندروم شخصیتی و وراثتی. او همچنین دریافت که موقعیت اجتماعی در شادی افراد تأثیر دارد: «اطلاعات نشان می‌دهد که شادی به بخت و بدبختی حساس است. مردمی که در موقعیت بد قرار دارند، گرایش دارند که خود را بی‌نشاط‌تر از مردمی نشان دهند که در یک موقعیت خوب هستند و مردمی که موقعیتشان بهبود یافته است، تمایل دارند که خود را بسیار خوشحال نشان دهند و آنهایی که موقعیت‌شان بدتر شده است، تمایل به بی‌نشاط بودن دارند» (وینهوون، ۱۹۹۸: ۸-۶). با توجه به ادبیات موجود، در پژوهش حاضر، نشاط را با دو بعد روانی و اجتماعی قابل تحلیل می‌دانیم. در زمینه ابعاد روانی، چهار مفهوم را محوری می‌دانیم:

- احساس شکاف: افراد (در اینجا زنان روستایی) به مقایسه شرایط و موقعیت خود (امکانات، سن، تحصیلات و غیره) با دیگران می‌پردازند، در حالی که شرایط این مقایسه مطلوب باشد، احساس شادی و نشاط محصول آن خواهد بود، در غیر این صورت، فرد به شکاف این موقعیت‌ها پی می‌برد که در نهایت، اثری تضعیف‌کننده در میزان رضایت از زندگی و به تبع آن، شادکامی وی دارد.

- احساس برابری: فرد بر اساس خصوصیات و مهارت‌هایی که به جامعه عرضه کرده است (هوش، استعداد، تحصیلات و غیره) انتظار دارد مزایا، پاداش و امکاناتی را نیز متناسب با آن‌ها از جامعه دریافت کند. در چنین صورتی، نوعی احساس رضایت‌خاطر و شادکامی حاصل خواهد شد. در صورتی که فرد احساس کند که مبادله برابر نیست، در وی احساس نارضایتی پدید خواهد آمد.

اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

- محرومیت نسبی: زمانی که فرد با مقایسه خود با دیگران، احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کند، با عکس‌العمل‌های شدید عاطفی مانند ناهنجاری، خودکشی و غیره واکنش نشان می‌دهد.

- بعد نژندی شخصیت: نژندگرایی در نقطه مقابل برون‌گرایی و در اجتماع بودن افراد است که از اضطراب درونی (تمایل به ترس، دلهره، زودرنجی و نگرانی)، اضطراب بیرونی (احساس بی‌یاوری، بی‌حوصلگی و ترس از عوامل اجتماعی و محیطی)، یأس، بی‌اعتمادی شخصی (بی‌اعتماد در روابط بین شخصی) و بی‌اعتمادی غیرشخصی (بی‌اعتمادی به عملکرد خرده‌نظام‌های مختلف جامعه) نشأت می‌گیرد. عوامل مذکور، تضعیف‌کننده نشاط و شادکامی هستند.^۱

واضح است که در پژوهش‌های پیشین، اکثر پژوهشگران، نشاط و شادکامی را از بعد روانی بررسی کرده و کمتر ابعاد اجتماعی و فرهنگی نشاط را مورد توجه قرار داده‌اند. در صورتی که نشاط، منشأ جمعی دارد و تجربه کنش شادمانه، علاوه بر ایجاد نشاط روانی قادر خواهد بود نشاط و شادکامی پایدار اجتماعی را در افراد ایجاد کند. نشاط در فرایند رابطه فرد با جامعه و گروه تحقق می‌یابد. در غیر این صورت - از دید ناظر بیرونی - نشاط چیزی جز مجموعه‌ای از کیفیات روحی و هیجان‌های طرب‌انگیز فردی نخواهد بود. اگر این کیفیات فرح‌بخش، واجد معانی اجتماعی و اهداف جمعی نباشد، تعریفی جز یکسری حالات نابهنجار و حتی جنون‌آمیز نخواهد داشت. بنابراین، نشاط اجتماعی همان سطح برخورداری از مواهب زندگی عمومی همراه با اقناع ذهنی و اجماع عینی است، یعنی باید تعریف فردی و بیرونی از نشاط با یکدیگر مقارنه داشته باشد. در غیر این صورت، معنای اجتماعی آن بیان نشده و نشاط در حد مجموعه‌ای از احساسات و هیجانات فیزیولوژیک باقی مانده است.... نشاط از منظر اجتماعی، عضوی از خانواده و چارچوب مفهومی کیفیت زندگی، رضامندی اجتماعی، امنیت اجتماعی، سلامت اجتماعی، رفتارهای جمعی و فراغت است. مفاهیم فوق، به نوعی متناظر با شادمانی و شادی است. با این توصیف، نشاط اجتماعی سطحی از رضامندی اجتماعی توأم با رفتارهای شادمانه و احساس خوشبختی دانسته می‌شود که همه این مؤلفه‌ها، تعریف جمعی دارد و در مقایسه و تطبیق بهتر شناخته می‌شود.

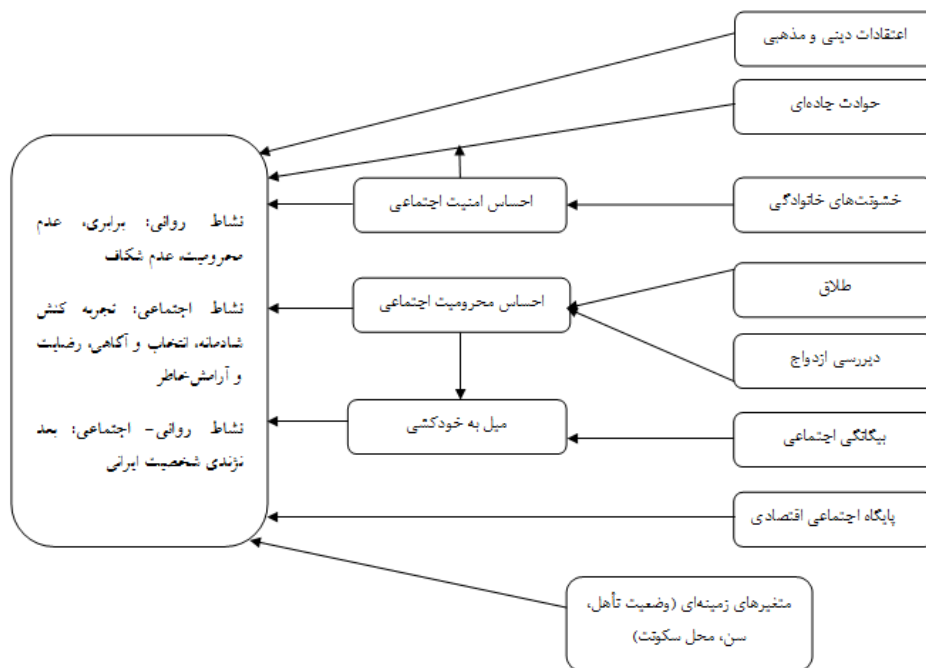
۱ در اینجا استنادها بیشتر به بررسی مسعود چلی (۱۳۸۸) درباره نظام شخصیت ایرانی است.

مفوله دیگر، گستره انتخاب‌های فرد در زندگی است. هر چه بر دامنه انتخاب‌های بشر افزوده می‌شود، ریسک‌های جدیدی نیز تولید می‌شود. در چنین شرایطی، گرچه در دنیای مدرن، قدرت انتخاب‌های انسان بیشتر شده است، ولی بسیاری از این انتخاب‌ها، موجب ایجاد ریسک‌هایی می‌شود که در نهایت، آرامش و امنیت‌خاطر را از وی می‌گیرد.

موضوع رضایت از زندگی و کیفیت زندگی نیز تعیین‌کننده است. رضایت از زندگی، زمانی حاصل می‌شود که شرایط زندگی از بعد ذهنی و عینی مساعد باشد، همان‌طور که کیفیت محیط مادی، باید مطلوب باشد، کیفیت زندگی به لحاظ معنوی نیز باید با مطلوبیت همراه باشد.

در ادامه، مدل شماتیک ارتباط متغیرها نمایش داده شده است:

مدل (۱): الگوی آثار ریسک‌های خانوادگی - اجتماعی و محیطی بر میزان نشاط اجتماعی زنان با حضور متغیرهای واسطه‌ای



اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، با توجه به موضوع مورد بررسی و مفاهیم و متغیرهای مورد نظر به لحاظ مفهومی از شیوه مطالعه کتابخانه‌ای^۱ و به لحاظ تجربی، برای بررسی متغیرها از تلفیق روش‌های کمی و کیفی استفاده شده است. اطلاعات پایه‌ای از جامعه آماری، از طریق مشاهده، مصاحبه نیمه‌ساخت یافته و بحث گروهی جمع‌آوری شده است. از پرسشنامه نیز برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. ابتدا پرسشنامه پژوهش، مورد پیش‌آزمون^۲ قرار گرفت و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، پایایی پرسش‌های چندگزینه‌ای محاسبه گردید. پس از اصلاحات لازم، پرسشنامه نهایی در اختیار زنان پاسخگو قرار گرفت. پایایی کل پرسشنامه نهایی با استفاده از سنجش آلفای کرونباخ، بیشتر از ۸۰ درصد بوده است. جمعیت نمونه، متشکل از ۷۰۰ زن (۴۹-۱۵ ساله) از مجموع ۱۰۶۸۲ زن دلجانی در مناطق شهری و روستایی بوده است. روستاهای جوشق، مهدی‌آباد، ریجان، لاران، بهار ارده‌ها، نمونه روستایی پژوهش حاضر بوده است.

جدول (۳): متغیرهای پژوهش

متغیرها	ابزار سنجش	ابعاد
متغیر وابسته نشاط اجتماعی	۱- پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHI)	- پرسشنامه ۲۹ ماده‌ای تهیه شده توسط آرگایل و لو (۱۹۹۰)
	۲- بعد نژدی شخصیت ایرانی	- میل به اضطراب درونی، میل به اضطراب بیرونی، میل به اعتماد انضمامی (شخصی)، اعتماد تعمیم‌یافته (غیرشخصی) و یأس (چلبی، ۱۳۸۱: ۱۳۵-۱۲۸).
	۳- تجربه کنش شادمانه	- تجربه فراغت‌های شادمانه و تجربه حضور در مراسم شادی دینی (عنبری، ۱۳۹۱).
متغیرهای مستقل: ۱- ریسک‌های اجتماعی	۱- خشونت‌های خانوادگی ^۳ : عبارتست از رفتارهای فیزیکی و سرکوبگرانه، از جمله حملات فیزیکی (جسمی)، جنسی، روانی و نیز اعمال فشار اقتصادی توسط هر فرد بالغ و جوان نسبت به فردی که با او ارتباط نزدیک و تنگاتنگ دارد.	- خشونت کلامی، روانی، فیزیکی و جنسی
	۲- گسترش دامنه انتخاب‌های افراد	- نقش در انتخاب همسر - انتخاب مسیر زندگی - ادامه تحصیل با اراده فرد

- 1 Documentary
- 2 Pre-Test
- 3 Family Violence

توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

<p>- سن ازدواج در زمان حال و گذشته در مناطق مورد بررسی</p>	<p>۳- دیررسی ازدواج^۱: به معنای افزایش سن ازدواج و تأخیر در تشکیل زندگی و خانواده است.</p>	
<p>- حق طلاق - تمایل به طلاق - نامطلوب شمردن طلاق</p>	<p>۴- طلاق^۲: به معنی پایان قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است.</p>	
<p>- تمایل به خودکشی - داشتن برنامه و اقدام خودکشی</p>	<p>۵- خودکشی^۳: عمل یا رفتاری آگاهانه (عامدانه) که انسان برای مردن انجام می‌دهد.</p>	
<p>- تجربه سانحه رانندگی توسط فرد و خانواده - از دست دادن اعضای خانواده یا اقوام</p>	<p>۶- حوادث جاده‌ای (تصادفات)</p>	
<p>- احساس انزوا و بی‌قدرتی - احساس بی‌هنجاری - احساس بیگانگی از خود و بی‌معنایی - احساس بیگانگی فرهنگی (بنی فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰).</p>	<p>۲- بیگانگی اجتماعی^۴</p>	
<p>- جنبه اعتقادی - جنبه احساسی - جنبه مناسکی (همان).</p>	<p>۳- اعتقادات دینی و مذهبی^۵</p>	
<p>- درآمد - شغل - تحصیلات</p>	<p>۴- پایگاه اجتماعی اقتصادی^۶</p>	
<p>- امنیت جانی - امنیت مالی - امنیت عاطفی - امنیت اخلاقی</p>	<p>۱- احساس امنیت اجتماعی^۷</p>	<p>متغیرهای واسط:</p>
<p>- محرومیت از روابط و فعالیت‌های اجتماعی - محرومیت از خدمات اساسی - محرومیت از روابط همسایگی</p>	<p>۲- احساس محرومیت اجتماعی^۸</p>	

- 1 Marriage Late
- 2 Divorce
- 3 Suicide
- 4 Social Alienation
- 5 Religion Beliefs
- 6 Social- Economical Statues
- 7 Feeling of Social Security
- 8 Feeling of Social Deprivation

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb **Director in Charge:** Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh **Index:** www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 **Website:** www.jrd.ut.ac.ir **Email:** jrd@ut.ac.ir

یافته‌ها

بر حسب اطلاعات جمع‌آوری شده، از مجموع زنان مناطق شهری ۴۰/۳٪ نوجوان، ۳۶/۸٪ جوان و ۲۳٪ میانسال بوده‌اند که از این تعداد ۷۰/۸٪ متأهل، ۲۴/۹٪ مجرد، ۱/۱٪ بی‌همسر در اثر فوت و ۳/۲٪ بی‌همسر در اثر طلاق بوده‌اند. در مناطق روستایی نیز ۵۷/۶٪ در سن نوجوانی، ۲۴/۸٪ در سن جوانی و ۱۷/۶٪ در سن میانسالی قرار داشتند. همچنین ۱۸۷ نفر (۵۶/۷٪) متأهل و ۱۳۰ نفر (۳۹/۴٪) مجرد بوده‌اند. ۵ نفر (۱/۵٪) در اثر فوت و ۸ نفر (۲/۴٪) نیز در اثر طلاق، بی‌همسر بودند. اکثریت زنان نمونه شهری (۵۸/۹٪) و روستایی (۶۵/۲٪) خانه‌دار بوده‌اند. در مناطق روستایی، متراژ منازل مسکونی وسیع‌تر بوده است.

پایگاه اجتماعی اقتصادی زنان، از مجموع متغیرهای تحصیلات (تحصیلات فرد، پدر یا همسر، مادر)، درآمد (درآمد زنان، پدر یا همسر) و شغل آنان تشکیل شده است. با استناد به پاسخ‌های اخذ شده، اکثریت زنان مناطق شهری (۳۹/۲٪) در پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط قرار داشتند، زیرا درآمد زنان و پدر یا همسرانشان، متوسط، تحصیلات پدر یا همسر و مادر، دیپلم بوده است و با وجود بافت سنتی دلیجان، اشتغال در مشاغل با منزلت بالا در بین آنها وجود نداشت (اکثر آنها در کارخانه‌ها و فعالیت‌های صنعتی و خدماتی اشتغال داشته‌اند) در حالی که اکثر زنان مناطق روستایی (۹۰ نفر معادل ۲۷/۳٪) پایگاه اجتماعی اقتصادی خود را پایین بیان کرده‌اند.

همان‌طور که بیان شد، نشاط اجتماعی با ترکیب پرسشنامه شادکامی آکسفورد، نژندگرایی و تجربه رفتار شادمانه مورد سنجش قرار گرفته است. شادکامی در چهار درجه (صفر معادل عدم شادکامی و سه برابر شادکامی بالا) سنجیده شده است. بر اساس نتایج حاصل از اجرای پرسشنامه شادکامی آکسفورد در مناطق دلیجان، ۲۸۴ نمونه شهری (۷۷/۲٪) و ۲۰۵ نمونه روستایی (۶۲/۱٪) شادکامی خود را از نوع درجه دو و سه بیان کرده‌اند. نژندگرایی سه دسته پاسخ را شامل شده است (بلی/ بین این دو/ خیر). بدین معنی که فرد بانشاط در تکمیل پرسشنامه، به وجود ابعاد نژندگرایی در خود اعتقاد نخواهد داشت، پس هر چه پاسخ‌های فرد به خیر نزدیک‌تر باشد، میزان نژندگرایی او کمتر و در نتیجه، از نشاط بیشتری برخوردار خواهد بود. با توجه به نتایج بررسی، زنان مذکور حالتی مابین وجود و نبود نژندگرایی را در شخصیت خود تجربه کرده‌اند. تجربه رفتار شادمانه نیز از دو بعد

توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

فراغت‌های شادمانه و مراسم شادی دینی تشکیل شده است. در باور زنان، فراغت‌های شادمانه و نیز حضور در مراسم مذهبی و دینی، تا حد زیادی در آن‌ها احساس شادی و نشاط را پدید آورده است. در نتیجه با ترکیب سه بعد فوق، میزان نشاط پاسخگویان سنجیده شد. به طوری که ملاحظه می‌شود، اکثریت زنان بیان کرده‌اند که نشاط اجتماعی متوسطی را در زندگی خود تجربه می‌کنند.

جدول (۴): توزیع پاسخگویان بر حسب نشاط اجتماعی

روستا		شهر		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۵/۵	۵۱	۱۷/۰	۶۳	نشاط اجتماعی بالا
۶۷/۵	۲۲۳	۶۸/۱	۲۵۲	نشاط اجتماعی متوسط
۷/۳	۲۴	۸/۶	۳۲	نشاط اجتماعی پایین
۹۰/۴	۲۹۸	۹۳/۸	۳۴۷	مجموع
۹/۶	۳۲	۶/۲	۲۳	پاسخ‌ندها
۱۰۰/۰	۳۳۰	۱۰۰/۰	۳۷۰	مجموع کل

با استناد به شواهد حاصل شده در زمینه ابعاد مختلف دین، باور به اعتقادات دینی در بین ۲۴۶ زن در مناطق روستایی (۷۴/۵٪) و ۲۸۳ زن در مناطق شهری (۷۶/۵٪) به طور مستحکمی وجود داشته است.

زنان مورد بررسی، احساس انزوا و بی‌قدرتی در خود و احساس بیگانگی از خود و بی‌معنایی را کم بیان کرده‌اند. احساس بی‌هنجاری اجتماعی در بین ۶۳/۵٪ زنان مناطق شهری و ۶۳/۰٪ زنان روستایی متوسط ارزیابی شده است. زنان مناطق روستایی (۹۰/۹٪) نسبت به ارزش‌های فرهنگی خود، احساس بیگانگی کمتری دارند. در مجموع، می‌توان با صراحت بیان کرد که احساس بیگانگی اجتماعی در نمونه‌های پژوهش، در حد کمی وجود داشته است.

زنان دل‌جانی از احساس امنیت اجتماعی متوسطی برخوردار بوده‌اند، گرچه میزان امنیت اخلاقی در بین آنان، ضعیف گزارش شده است. همچنین احساس محرومیت اجتماعی در همه ابعاد آن، در نمونه‌ها یافت نشد.

در بررسی ریسک‌های خانوادگی - اجتماعی و محیطی نیز نتایج زیر حاصل شد:

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

- زنان خود را دارای قدرت انتخاب‌های متعدد در زندگی دانسته‌اند.
- اکثریت زنان مناطق روستایی (۶۸/۲٪) و شهری (۷۱/۴٪) و خانواده‌شان، حوادث جاده‌ای را تجربه نکرده‌اند.
- بر اساس نتایج حاصله در دلیرجان، در بین زنان تمایل به طلاق، تفکر درباره آن و اقدام رسمی به آن، وجود نداشت.
- بر اساس باورهای مذهبی زنان، تمایل به خودکشی و تفکر درباره آن در بین اکثریت زنان وجود نداشت.
- نتایج حاصل نشان داد که خشونت‌های خانوادگی در مناطق شهری بیشتر رواج داشت، زیرا اکثریت آن‌ها (۴۳/۲٪) مورد خشونت‌های فیزیکی، کلامی و روانی از سوی پدران یا همسران خود قرار می‌گرفتند.
- سن ازدواج زنان در گذشته بسیار پایین بوده است (۱۹-۱۵ سال). گرچه سن ازدواج در زمان حال افزایش یافته است (۲۷-۲۰ سال)، در روستاها هنوز ازدواج در سنین پایین انجام می‌شود. در عین حال که دیررسی ازدواج در دلیرجان، به دلیل تشابه فرهنگی با روستاها مصداق نداشت.
- یافته‌های تحلیلی بررسی نشان داد که زنان متأهل از نشاط اجتماعی بالا و متوسطی نسبت به زنان مطلقه یا بی‌همسر در اثر فوت برخوردار بودند. در ضمن، سن نیز در میزان نشاط اجتماعی زنان مناطق روستایی مؤثر بوده است، به طوری که زنان نوجوان و جوان، نشاط اجتماعی بیشتری نسبت به زنان میانسال را تجربه می‌کردند. محل سکونت (به تفکیک مناطق شهری و روستایی) و (تفکیک روستاهای دهستان جوشق) نیز در نشاط اجتماعی زنان تأثیری نداشته است. گرچه زنان در روستاها در منازل با مساحت مسکونی وسیع‌تر زندگی می‌کردند، ولی در آزمون‌های آماری، شواهدی مبنی بر تأثیر مساحت منزل مسکونی بر نشاط اجتماعی یافت نشد.
- ارتقای پایگاه اجتماعی اقتصادی نمونه‌های پژوهش در دلیرجان، بر میزان نشاط اجتماعی آنان افزوده است. با توجه به مشابهت‌های فرهنگی و اعتقادی زنان مورد بررسی، اعتقادات قوی دینی آنها، به ویژه حضور در مراسم شادی دینی، عامل اصلی نشاط و شادکامی آن‌ها در زندگی گزارش شده است.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

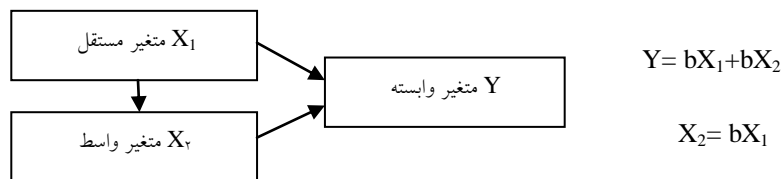
Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

گرچه بیشتر زنان در معرض خشونت‌های فیزیکی، کلامی و روانی قرار داشتند، در مجموع خشونت‌های خانوادگی، تأثیر معناداری در نشاط آنان نداشته است. همچنین به دلیل وجود اعتقادات دینی قوی در بین زنان و باور به وجود دنیای دیگر، تفکر درباره خودکشی و اقدام به آن و طلاق در بین آنها وجود نداشت. در عین حال، در مناطق روستایی مذکور، دیررسی ازدواج موجب کاهش میزان نشاط اجتماعی زنان شده است. گسترش دامنه‌گزینه‌های زنان در زندگی نیز از میزان نشاط اجتماعی آنان کاسته است، زیرا با قدرت یافتن زنان در انتخاب یک تصمیم، دامنه انتخاب‌های بعدی آنها محدودتر می‌شود، همان‌طور که تحصیل موجب دیررسی ازدواج در بین آنها شده است. با توجه به اینکه اکثر زنان نمونه و خانواده‌های آنان، در معرض سوانح و حوادث جاده‌ای نبوده‌اند، این متغیر نیز نتوانسته است تغییرات مربوط به نشاط اجتماعی زنان را تبیین کند.

در بخش دوم یافته‌های تحلیلی با استفاده از تحلیل رگرسیون^۱ و تحلیل مسیر، تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان نشاط اجتماعی زنان با وجود متغیرهای واسطه بیان شده است. در ضمن، تأثیر مستقیم متغیرهای واسطه را در میزان نشاط زنان سنجیده‌ایم. بدین منظور از مدل زیر بهره گرفته‌ایم:



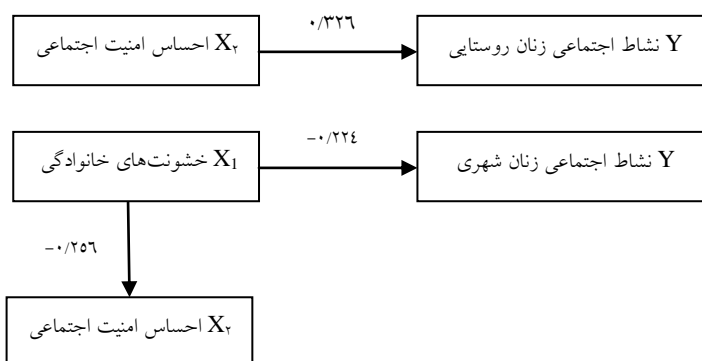
* انتظار می‌رفت خشونت‌های خانوادگی با کاهش احساس امنیت اجتماعی، منجر به کاهش میزان نشاط زنان شود.

با استناد به نتایج حاصل از آزمون F در مناطق روستایی ($F=4/245$, $Sig= 0/018$) فقط متغیر احساس امنیت اجتماعی در میزان نشاط اجتماعی زنان مؤثر بوده است، در حالی که در مناطق شهری، خشونت‌های خانوادگی در نشاط اجتماعی زنان و احساس امنیت اجتماعی آنها تأثیر معنادار داشته است. به طوری که به ازای افزایش یک واحد خشونت‌های خانوادگی به اندازه ۰/۲۲۴ از نشاط

۱ معادله رگرسیونی برحسب ضرایب استاندارد محاسبه شده است.

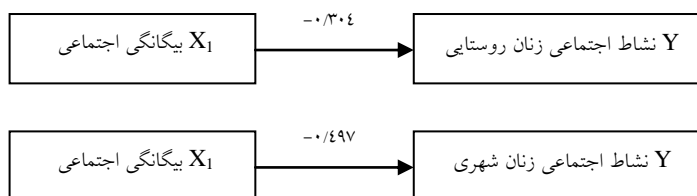
اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

اجتماعی زنان و به ازای افزایش یک واحد خشونت خانوادگی به میزان ۰/۲۵۶، از احساس امنیت اجتماعی آنان کاسته است.



* انتظار می‌رفت بیگانگی اجتماعی از طریق ایجاد تمایل به خودکشی و تفکر درباره آن در بین زنان، از میزان نشاط اجتماعی آنان خواهد کاست و در عین حال، تأثیر مستقیمی نیز بر نشاط خواهد داشت.

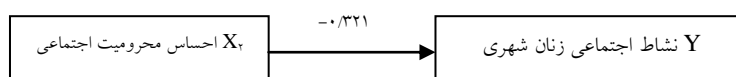
آزمون F بیانگر تأثیر مستقیم بیگانگی اجتماعی بر میزان نشاط اجتماعی زنان نمونه است.



* بر پایه اطلاعات نظری انتظار می‌رفت افزایش سن ازدواج با تقویت احساس محرومیت اجتماعی در زنان، از میزان نشاط اجتماعی آنان خواهد کاست.

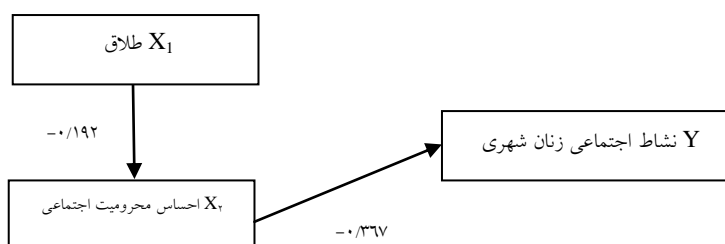
توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

آزمون F بیانگر تأثیر مستقیم احساس محرومیت اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان مناطق شهری است ($F=7/766, Sig=0/0001$). به طوری که به ازای افزایش یک واحد محرومیت اجتماعی، به اندازه $0/۳۲۱$ از نشاط اجتماعی زنان کاسته خواهد شد.



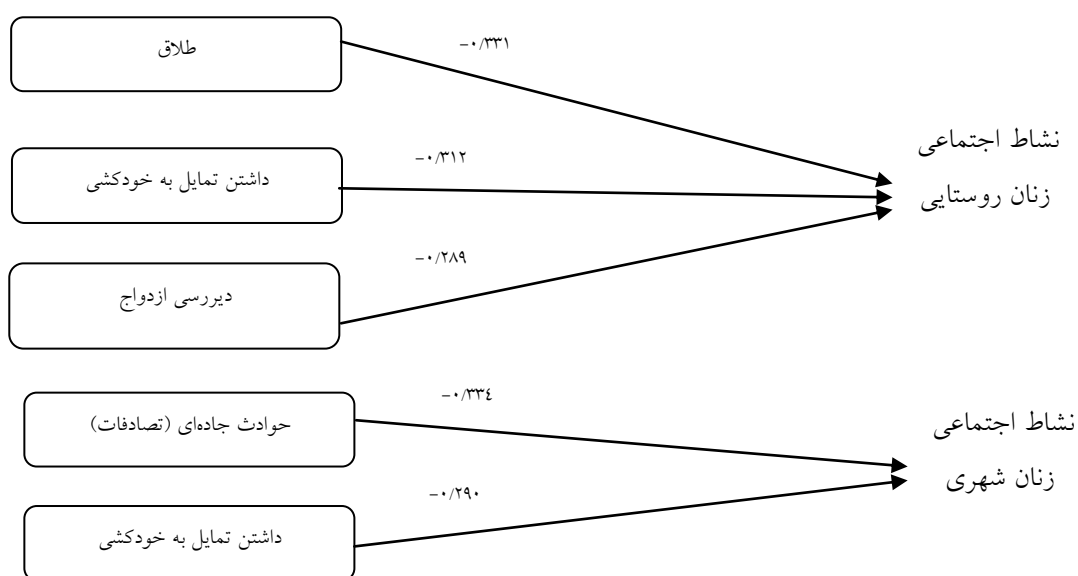
* انتظار می‌رفت که تمایل به طلاق و جدایی با تقویت احساس محرومیت اجتماعی در زنان، موجب کاهش نشاط اجتماعی آنان شود، در عین حال که این دو متغیر به طور مستقیم نیز بر نشاط تأثیرگذارند.

نتیجه آزمون F در بین نمونه‌های دلجان ($F=2/208, Sig=0/139$) بیانگر وجود رابطه بین دو متغیر تمایل به طلاق و احساس محرومیت اجتماعی است و احساس محرومیت اجتماعی نیز در کاهش میزان نشاط اجتماعی زنان مؤثر بوده است.



اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

در نهایت، میزان تأثیر ریسک‌های خانوادگی - اجتماعی و محیطی بر میزان نشاط اجتماعی زنان با ضرایب رگرسیونی بیان خواهد شد. از بین ریسک‌های مطرح شده در پژوهش و با استفاده از ضرایب استاندارد بتا، میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در نمودارهای زیر به تصویر کشیده شده است.



همچنین در جامعه روستایی متغیر احساس امنیت اجتماعی با ضریب بتای ۰/۸۲۵ و در جامعه شهری متغیر بیگانگی اجتماعی با ضریب بتای ۰/۹۰۹ بیشترین تأثیر را در میزان نشاط اجتماعی زنان داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد، شادی در علوم کلاسیک، هیجانی است که در اثر محرک‌های درونی و بیرونی، ارگانیزم را در جهت انبساط عضلانی و روانی سوق می‌دهد. ماهیت شادی در انسان، غریزی

است، اما نوع و چگونگی آن به یادگیری و متغیرهای محیطی و فرهنگی منوط است. بنابراین، می‌توان بین شادی و نشاط تفاوتی قائل شد. شادی یک هیجان با تظاهرات بیرونی و زودگذر است، اما نشاط یک احساس انبساط و شادمانی درونی است که پایدار و بادوام است. ماهیت نشاط اصیل، مثبت و بادوام است. نشاط در طول تاریخ، نقش اساسی در زندگی انسانی داشته است. انسان‌ها تلاش می‌کنند که زندگی خویش را همراه با امیدواری و توأم با نشاط طی کنند و خود را در مسیری قرار دهند که نفع اساسی از زندگی خویش و بودن در این جهان ببرند. با وجود این، نشاط می‌تواند به عنوان یک متغیر مهم اجتماعی، توسعه و پیشرفت جوامع را تضمین کند. توسعه جوامع با بهره‌گیری از توان نیروهای مولد هر جامعه میسر است. زنان نیز به عنوان نیمی از جمعیت موجود در همه جوامع، سهمی خاص در ارتقای توانایی‌های جامعه دارند. توجه به نشاط و شادکامی زنان از بعد روانی و جسمانی (توجه به فراغت‌ها و رفتارهای شادمانه)، ارتقای میزان نشاط آنان و بیان راهکارهایی برای افزایش آن، یکی از موضوعات نوین پژوهش‌های اجتماعی است که با توجه به ضرورت این متغیر مهم در پیشبرد اهداف اجتماعی، روز به روز بااهمیت‌تر می‌شود.

در پژوهش حاضر که در بین زنان ۴۹-۱۵ ساله دلیجان انجام شده است، زنان مورد بررسی، نشاط اجتماعی خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند، به این معنا که آنان وجود حالتی مابین نژندگرایبی و نبود آن را در خود احساس کرده و نشاط حاصل از تجربه رفتارهای شادمانه را در خود زیاد بیان کرده‌اند. آنان خود را دارای قدرت انتخاب‌های متعدد در زندگی دانسته‌اند. اکثریت زنان مناطق روستایی (۶۸/۲٪) و شهری (۷۱/۴٪) و خانواده‌شان، حوادث جاده‌ای را تجربه نکرده‌اند.

بر اساس نتایج به دست آمده، تمایل به طلاق، تفکر درباره آن و اقدام رسمی به آن، در بین زنان وجود نداشت. همچنین در بین اکثریت زنان، بر اساس باورهای مذهبی، تمایل به خودکشی و تفکر درباره آن وجود نداشت.

نتایج حاصل نشان داد که خشونت‌های خانوادگی در مناطق شهری بیشتر رواج داشت، زیرا اکثر آنها (۴۳/۲٪) مورد خشونت‌های فیزیکی، کلامی و روانی از سوی پدران یا همسران خود قرار می‌گرفتند.

اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

سن ازدواج زنان در گذشته بسیار پایین بوده است (ازدواج در سنین ۱۹-۱۵ سال). گرچه سن ازدواج در زمان حال افزایش یافته است (ازدواج در سنین ۲۷-۲۰ سال) ولی در روستاها هنوز ازدواج در سنین پایین انجام می‌شود. در عین حال که دیررسی ازدواج در دلجان، به دلیل تشابه فرهنگی با روستاها مصداق نداشت.

در نهایت، می‌توان اشتراکات میان نظریه‌هایی که فرضیه‌ها را از آن‌ها اقتباس کردیم و نتایج حاصله را چنین بیان کرد: بر اساس نظریه شکاف، انتظار می‌رفت که نشاط اجتماعی زنان در مناطق شهری و روستایی متفاوت باشد، در حالی که مطابق با شواهد به دست آمده، محل سکونت در افزایش یا کاهش نشاط اجتماعی تأثیری نداشت، مگر آنکه سایر متغیرها مانند پایگاه اجتماعی را مورد توجه قرار دهیم. مطابق با نظریه برابری، رضایت از زندگی و رضایت از شرایط موجود جامعه، در ارتقای میزان نشاط اجتماعی، تأثیر مثبت دارد. تجربه کنش و رفتار شادمانه و بعد اجتماعی فعالیت‌ها و حضور در جمع (فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی) در ارتقای نشاط و شادکامی زنان، نقش مهمی داشته است. رضایت از شرایط به لحاظ ذهنی و عینی و بهبود کیفیت زندگی در هر دو بعد، در افزایش نشاط اجتماعی زنان نقش مهمی داشته است. بر اساس دیدگاه چلبی، هر چه نژندگرایی در شخصیت ایرانی تقویت شود، اضطراب و یأس و بی‌اعتمادی در وی تقویت می‌شود که عامل مهمی در کاهش میزان نشاط و شادکامی تلقی می‌گردد.

در نهایت، می‌توان یافته‌های پژوهش حاضر را با نتایج پژوهش‌های انجام شده در این حیطه، به بحث و چالش کشید: همسو با نتایج بررسی‌های پژوهشگران در دانشگاه میشیگان، تفاوت معناداری بین سطح نشاط زنان مناطق شهری و روستایی یافت نشد. همان طور که آرگایل (۱۳۸۲) و اینگلهارت (۱۹۹۰) در پژوهش خود دریافتند که افراد متأهل و ازدواج کرده، از نشاط و شادکامی بیشتری برخوردارند، در بررسی حاضر نیز زنان متأهل نشاط بیشتری را نسبت به مجردها، مطلقه‌ها و بیوه‌ها تجربه کرده بودند. در پژوهش حاضر، میزان نشاط اجتماعی جوانان و نوجوانان، بیشتر از افراد میانسال بوده است. پژوهشگران دانشگاه وارویک انگلستان و آیزنک (۱۳۷۵) نیز در بررسی‌های خود به تأثیر سن بر شادمانی پی برده‌اند. آرگایل نیز در بررسی خود دریافت که عاطفه مثبت و رضامندی، با افزایش

سن کمی افزایش و عاطفه منفی، با افزایش سن کاهش می‌یابد، در حالی که بر اساس بررسی‌های دانشگاه میشیگان، سن تأثیری در شادمانی نداشت.

همان طور که آیزنک (۱۳۷۵) عقیده دارد که افراد با درآمد بالا، بیش از افراد با درآمد پایین، شاد هستند، در پژوهش حاضر نیز زنان ساکن در دلیجان با بهره‌مندی از پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر خود، نسبت به ساکنان روستاها نشاط اجتماعی بالاتری را تجربه می‌کنند. گرچه پژوهشگران متعددی مانند آرگایل (۱۳۸۳)، شجاعیان و زمانی منفرد (۱۳۸۱)، الیسون (۱۹۹۱)، پناهی (۱۳۸۸)، صحرائیان و همکاران (۱۳۸۹)، قادری (۱۳۸۹)، قمری (۱۳۸۹) به رابطه معنادار مذهب با شادکامی دست یافتند، در پژوهش حاضر، شواهدی دال بر تأیید این موضوع وجود نداشت. زیرا با وجود اشتراکات فرهنگی، باورهای دینی و تشابه زندگی در مناطق شهری و روستایی، مذهب همواره عامل اصلی نشاط آنهاست و اعتقادات و باورهای دینی، بخشی جدانشدنی از زندگی اهالی بوده است. بنابراین، دین به عنوان یک متغیر اجتماعی و واقعیت عینی و ملموس در زندگی آنها محسوب می‌شود و جدایی از دین یا کم‌رنگ شدن آن در زندگی مصداق ندارد.

با توجه به مطالب مذکور، می‌توان در جمع‌بندی نهایی بیان کرد که در مناطق مورد بررسی، می‌توان با آگاه کردن زنان از حقوق شهروندی و قانونی‌شان در قبال یکدیگر و جامعه، و آگاه‌سازی سازمان‌ها و نهادهای دولتی به منظور رعایت حقوق شهروندی افراد، زمینه‌های کاهش احساس شکاف بین واقعیت‌ها و خواسته‌های زنان و جوانان را با تسهیل شرایط رشد در جنبه‌های اقتصادی و علمی و تسهیل امکان رقابت و ترویج روحیه تحمل و قناعت فراهم کرد. ارتقاء شاخص‌های رضایت از زندگی، شامل افزایش رضایت شغلی (کاهش نرخ بیکاری، افزایش امکانات آموزشی و توجه به عوامل مؤثر بر رشد وضعیت فرهنگی و اجتماعی شهروندان)، توجه به عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی زنانشویی با هدف ارتقاء سطح رضایت از زندگی افراد جامعه، توجه به فراغت و تفریح زنان جوان با اقداماتی از قبیل برگزاری کلاس‌های آموزشی، هنری، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و جشن‌های ملی، ترویج فرهنگ ورزش گروهی و تأمین امکانات ویژه آن، غنا بخشیدن به محتوای برنامه‌های رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و غیره می‌تواند اقدامات سودمندی برای افزایش روحیه نشاط و شادکامی در افراد به ویژه زنان قلمداد شود.

اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان

منابع

- آذربایجانی، مسعود و علی محمدی، کاظم (۱۳۸۹). ساخت و اعتباریابی آزمون شادکامی با تکیه بر اسلام. *دو فصلنامه علمی- پژوهشی تربیت اسلامی*، ۵، ۱۰.
- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳). *روانشناسی شادی*. ترجمه مسعود گوهری انارکی، حمیدطاهر نشاطدوست، حسن پالاهنگ و فاطمه بهرامی. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- آیزنک، مایکل (۱۳۷۵). *روانشناسی شادی*. ترجمه محمد فیروزبخت و خلیل بیگی. تهران: انتشارات پدر.
- اینکلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
- بنی فاطمه، حسین و رسولی، زهره (۱۳۹۰). بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۱.
- پناهی، علی احمد (۱۳۸۸). عوامل نشاط و شادکامی در همسران از منظر دین و روانشناسی. *معرفت*، ۱۸، ۱۴۷.
- ثابت، مهرداد و لطفی کاشانی، فرح (۱۳۸۹). *هنجاریابی آزمون شادکامی آکسفورد*. *اندیشه و رفتار*، ۴، ۱۵.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱). *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*. مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چلبی، مسعود و موسوی، سید محسن (۱۳۸۷). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، ۱ و ۲.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: سروش.
- روحانی، عباس و معنوی‌پور، داود (۱۳۸۷). رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه. *دانش و پژوهش در روانشناسی*، ۳۵ و ۳۶.
- زمانی منفرد، افشین و شجاعیان، رضا (۱۳۸۱). ارتباط دعا با سلامت روانی و عملکرد شغلی کارکنان فنی صنایع مهمات‌سازی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، ۸، ۲.
- زمانی، مهدی (۱۳۸۷). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر همدان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی)*. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ساعتچی، محمود (۱۳۸۵). *روانشناسی کاربردی برای مدیران در خانه، مدرسه، جامعه و سازمان*. نشر ویرایش.
- صحرائیان، علی، غلامی، عبدالله و امیدوار، بنفشه (۱۳۸۹). رابطه نگرش مذهبی و شادکامی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز. *افق دانش*، ۱۷، ۱.
- علی‌پور، احمد و آگاه هریس، مژگان (۱۳۸۶). اعتبار و روایی فهرست شادکامی آکسفورد در ایرانی‌ها. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، ۱۲.
- علی‌پور، احمد و نوربالا، احمدعلی (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *اندیشه و رفتار*، ۱ و ۲.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

- علی پور، احمد و نوری، ناهید (۱۳۸۵). بررسی پایایی و روایی مقیاس افسردگی - شادکامی درکارکنان دادگستری شهر اصفهان. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۳۱ و ۳۲.
- عنبری، موسی (۱۳۹۱). بررسی زمینه‌ها و راهکارهای نشاط اجتماعی در ایران. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عنبری، موسی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی فاجعه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قادری، داود (۱۳۸۹). رابطه جهت‌گیری مذهبی و شادکامی سالمندان. سالمند، ۱۸.
- قمری، محمد (۱۳۸۹). بررسی رابطه دینداری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل. روانشناسی و دین، ۳.
- مارشال ریو، جان (۱۳۸۵). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- مظفر، ح (۱۳۷۹). اثر نشاط روحی بر شکوفایی خرد. تربیت، ۷.
- مغانلو، مهناز و آگیلار- وفایی، مریم (۱۳۸۸). رابطه عوامل و وجوه الگوی پنج عاملی شخصیت با شادکامی و سلامت روانی و جسمانی. روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۳.
- نایی، هوشنگ (۱۳۷۴). پژوهشی در روانشناسی اجتماعی: سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانوارهای تهرانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- Argyle, M. (2001). *The psychological of happiness*. London: Rutledge.
- Biddle, S. & Mutri, e. N. (1991). *Psychology of physical activity and exercise*. London: Springer/Tavistock/Routledge.
- Diener, E. & Myers, D. G. (1996). The science of happiness. *The Futurist*, 1-7 (insert). Reprinted in *Current*, 3-7.
- Diener, E. & Myers, D. G. (1997). The new scientific pursuit of happiness. *Harvard Mental Health Letter*, 4 (2), 4-7.
- Diener, E. & Pavot, W. (1993). Review of the Satisfaction with Life Scale. *Psychological Assessment*, 5, 164-172.
- Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E. & Smith, H. L. (1998). Subjective Well-being three decades of Well-being. *Psychological Bulletin*, 125 (2), 276-302.
- Eddington, N. & Shuman, R. (2004). *Subjective Well-being*. Presented by continuity psychology education.
- Ellison, C. G. (1991). Religious involvement and subjective well-being. *Journal of Health and social Behavior*, 32, 80-99.
- Ingelhart, R. (1990). *Culture shift in advanced industrial society*. Princeton, NJ: Princeton university Press.
- McCare, R. & Costa, P. (1999). *A five factor theory of personality*. In L. Pervin and O.
- Seligman, & Danner, E. M. (2002). Very happy people. *Psychological Science* 13, 81-4.
- Veenhoveen, R. (1988). Is Happiness Relative? Recent advance in social psychology an international perspective. *Amsterdam*, 235-247.
- Veenhoveen, R. (1995). The utility of happiness. *Social Indicator Research*, 20, 333-354.
- Veenhoveen, R. (1998). Two- state Trait Discussions on Happiness Arepy to stones et, al. *Social indictor Reserch*, 43, 211-225.
- Witter, R. A., Okun, M. A., Stock, W. A. & Haring, M. J. (1984). Education and subjective well-being: A meta-analysis. *Education Evaluation and Policy Analysis*, 6, 165-173.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir